

The Explanatory Function of the *Ziyārat al-Ghadīriyyah* in Representing the Comprehensive System of Imamate from the Perspective of the Holy Qur'an*

Sayyid Ḥasan Sabzavārī¹

Abstract

Owing to its profound semantic depth and multidimensional nature, the Qur'an has always required an infallible interpreter. Within Shi'i epistemology, the Ahl al-Bayt are regarded as those firmly grounded in knowledge (*al-rāsikhūn fī al-'ilm*) and as the "speaking Qur'an," constituting the sole authentic authorities for the interpretation (*tafsīr*) and inner exegesis (*tāwīl*) of revelation. This article aims to examine how Qur'anic verses are manifested in the Ziyārat al-Ghadīriyyah attributed to Imam al-Hādī, and to analyze his role as a true exegete of the Qur'an.

Methodologically, the study employs qualitative content analysis of selected passages from the Ziyārat al-Ghadīriyyah and correlates them with explicit or implicit Qur'anic verses. The findings demonstrate that Imam al-Hādī articulates Qur'anic teachings through a reasoned and discursive language, embedding them within the structured formulations of the ziyārah. The research categorizes these passages according to a comprehensive thematic system of Imamate and examines the Qur'anic manifestations across several key axes: the conditions of the Imam (such as divine designation, '*iṣmah*' [infallibility], superiority, and special knowledge); the offices of the Imam (including *wilāyah* [authority], *ḥujjiyyah* [authoritativeness], and guidance); the spiritual and ontological ranks of the Imam (such as being the upright religion, the straight path, the criterion between truth and falsehood, and the leader of the God-conscious); the duties of the community toward the Imam (including recognition, obedience, and allegiance); and the historical unfolding of the institution of Imamate.

The study concludes that the Ziyārat al-Ghadīriyyah transcends the genre of a devotional text and constitutes a rich and unparalleled source for understanding the doctrines and diverse dimensions of Imamate from a Qur'anic perspective as articulated by the Ahl al-Bayt. This approach not only deepens insight into the virtues and status of the Commander of the Faithful and supports the Imāmī claim regarding legitimate succession, but also opens a new avenue for reflection on the inseparable relationship between the "Book" and the "Household" (*al-Kitāb wa-l-'Itra*).

Keywords: Ziyārat al-Ghadīriyyah; Imam al-Hādī; Commander of the Faithful; Qur'anic verses on Imamate; Conditions of the Imam; Offices of the Imam; History of Imamate

* Cite this article: Sabzavārī, S.H. (2025). The Explanatory Function of the Ziyārat al-Ghadīriyyah in Representing the Comprehensive System of Imamate from the Perspective of the Holy Qur'an, *Imāmāh in the Light of the Qur'an and Sunnah*, 2(3), p.7-41.

 <https://doi.org/10.22034/emamah.2025.548294.1075>

1. Assistant Professor, Imamate Research Institute, Imamate International Foundation, Qom, Iran
s.h.sabzevari@yahoo.com

Research Article

Imāmāh in the Light of
the Qur'an and Sunnah

2th Year, Vol. 3, 2025

Publisher: Emamat

International Foundation

ipj.emamat.org

Received: 2025/09/17

Revised: 2025/09/29

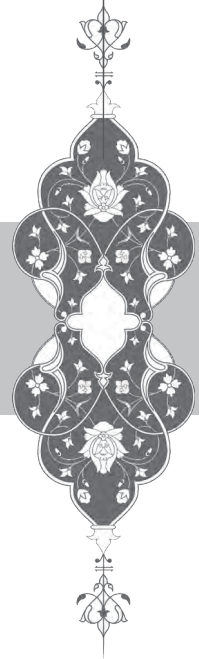
Accepted: 2025/10/08

Published Online: 2026/06/28



© the authors





کارکرد تبیینی زیارت غدیریه در بازنمایی نظام جامع امامت از منظر قرآن کریم*

سید حسن سبزواری^۱

چکیده

قرآن کریم به دلیل عمق معنایی و ابعاد مختلف آن، همواره به ترجمان معصوم نیازمند بوده است. در نظام معرفتی شیعه، اهل بیت علیهم السلام به عنوان راسخون در علم و قرآن ناطق، یگانه مراجع حقیقی تفسیر و تأویل وحی هستند. این مقاله با هدف بررسی چگونگی تجلی آیات قرآن کریم در زیارت غدیریه امام هادی علیه السلام، به تحلیل نقش آن حضرت به عنوان مفسر واقعی قرآن می پردازد. روش پژوهش، تحلیل محتوای کیفی فرازهای زیارت غدیریه و تطبیق آن ها با آیات صریح یا تلویحی قرآن کریم است. یافته ها نشان می دهد که امام هادی علیه السلام با زبان استدلالی، معارف قرآنی را در قالب فرازهای زیارت تعلیم داده اند. این پژوهش، فرازهای منتخب را براساس نظام جامع موضوعات امامت دسته بندی کرده و به بررسی تجلی آیات قرآنی در محورهای مانند شرایط امام (مانند نصب، عصمت، فضیلت و علم ویژه)، مناصب امام (از جمله ولایت، حجیت و هدایت)، مقامات امام (مانند دین قویم بودن، صراط مستقیم بودن، فاروقیت و امام المتقین بودن)، وظایف امت نسبت به امام (مانند معرفت، اطاعت و بیعت) و تاریخ نهاد امامت می پردازد. نتیجه آن که زیارت غدیریه فراتر از یک متن دعایی، منبعی غنی و بی بدیل برای فهم معارف و ابعاد گوناگون امامت با رویکرد قرآنی از منظر اهل بیت علیهم السلام است. این رویکرد نه تنها به تعمیق شناخت از فضایل و جایگاه

مقاله پژوهشی

دوفصلنامه امامت
در پرتو قرآن و سنت

سال دوم، شماره ۳، ۱۴۰۴

ناشر: بنیاد
بین المللی امامت

ipz.emamat.org

دریافت: ۱۴۰۴/۰۶/۲۹

بازنگری: ۱۴۰۴/۰۷/۰۷

پذیرش: ۱۴۰۴/۰۷/۱۶

انتشار آنلاین: ۱۴۰۵/۰۴/۰۷



© نویسندگان



* استناد به این مقاله: سبزواری، سید حسن، (۱۴۰۳)، کارکرد تبیینی زیارت غدیریه در بازنمایی

نظام جامع امامت از منظر قرآن کریم، امامت در پرتو قرآن و سنت، (۲) ۳، ص ۴۱-۷.

<https://doi.org/10.22034/emamah.2025.548294.1075>

۱. استادیار، پژوهشکده امامت، بنیاد بین المللی امامت، قم، ایران.

s.hsabzevari@yahoo.com



امیرمؤمنان علیه السلام و اثبات مدعای امامیه نسبت به خلافت راستین یاری می‌رساند، بلکه راهی نو برای تدبیر در پیوند ناگسستنی میان «کتاب» و «عترت» فراهم می‌آورد. واژگان کلیدی: زیارت غدیریّه، امام هادی علیه السلام، امیرمؤمنان علیه السلام، آیات امامت، شرایط امام، مناصب امام، تاریخ امامت

۱. مقدمه

قرآن کریم، کلام جاودان خداوند، راهنمای سعادت انسان در دنیا و آخرت است و به سبب ژرفای معنایی آن، به مفسرانی از سنخ وحی نیازمند است تا مقاصد الهی را جامع و مصون از خطا تبیین کنند. در منظومه معرفتی اسلام، به ویژه در مکتب تشیع، این مقام به اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام اختصاص دارد. آن‌هایی که در آیه «وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ» (آل عمران: ۷) «راسخون در علم» و در حقیقت «قرآن ناطق» اند و علم لدنی و عصمتشان، ضامن صواب تفسیر و تأویل ایشان است. حدیث متواتر «ثقلین» نیز بر لزوم تمسک به قرآن و عترت دلالت دارد و عبارت «لَنْ يَفْتَرِقَا» پیوستگی دائمی آن دو را آشکار می‌کند. از این رو، شناخت و تأویل قرآن جدا از اهل بیت علیهم السلام ممکن نیست. امیرالمؤمنین علیه السلام در تأیید این پیوند می‌فرماید:

ذَٰلِكَ الْقُرْآنُ فَاسْتَنْطِقُوهُ، وَلَنْ يَنْطِقَ، وَلَكِنْ أُخْبِرْكُمْ عَنْهُ: إِنَّ فِيهِ عِلْمٌ مَا يَأْتِي، وَالْحَدِيثُ عَنِ الْمَاضِي، وَدَوَاءُ دَائِكُمْ، وَنِظَامٌ مَا بَيْنَكُمْ (سید مرتضی، ۱۴۱۴: ۲۲۳).

این سخن آشکار می‌کند که قرآن صامت است و تنها اهل بیت علیهم السلام می‌توانند حقایق آن را «استنطاق» و معانی ژرف آن را تبیین نمایند.

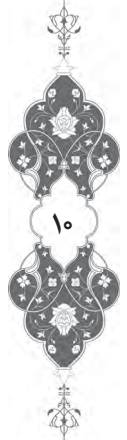
در این میان، زیارت غدیریّه امام ابوالحسن الهادی علیه السلام - صادر شده برای زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام در روز عید غدیر - متنی استثنایی در ترسیم جایگاه امام و تفسیر معارف وحی است. سند این زیارت با حضور راویان بزرگ شیعه، از جمله دو تن از نواب اربعه، از اعتبار بالایی برخوردار است (ابن مشهدی، ۱۴۱۹:

۱/۲۶۳). همچنین این زیارت با ساختاری استدلالی و زبانی فصیح، در هر فراز، آموزه‌های قرآنی را در سیمای امیرالمؤمنین علیه السلام منعکس می‌سازد. ویژگی ممتاز این متن، کارکرد تفسیری و تعلیمی آن است. امام هادی علیه السلام با بیانی بدیع، آیات الهی را به زائران می‌آموزد و از این رهگذر، مدرسه‌ای از معرفت امامت را بنا می‌کند. در زیارت غدیریه بیش از سی آیه به صورت تصریحی یا تضمینی آمده و به منزلت یا فضیلت امام تطبیق یافته است. با در نظر گرفتن اشارات تلویحی و پیوست روایات، شمار آیات مرتبط تا حدود صد آیه می‌رسد که عمق پیوند میان متن زیارت و قرآن را نشان می‌دهد.

این پژوهش با تمرکز بر همین کارکرد تفسیری، می‌کوشد چگونگی تجلی آیات قرآن در فرازهای زیارت غدیریه را تبیین نماید و امام هادی علیه السلام را به منزله «مفسر ربانی قرآن» بنمایاند. آن حضرت در قالب زیارت، معارف و حیانی امامت را با سبکی استدلالی و معنا دار عرضه کرده است.

به منظور دستیابی به انسجام علمی و تحلیل نظام مند محتوا، نخست جایگاه زیارت در منظومه معرفت دینی به اختصار تبیین شده و سپس به رویکرد قرآنی در زیارت غدیریه و تفاوت و تمایز آن با زیارت جامعه کبیره پرداخته شد. در محور اصلی این پژوهش، فرازهای این زیارت بر محور نظام جامع موضوعات امامت بازنمایی شده است؛ بدین گونه که آیات و فرازهای زیارت در پنج بخش «شرایط امام»، «مناصب امام»، «مقامات امام»، «وظایف امت نسبت به امام» و «تاریخ نهاد امامت» بررسی شده تا با بهره‌مندی از روایات، تلازم میان کتاب و ولایت از منظر قرآن و اهل بیت علیهم السلام به روشنی تبیین شود.

۱. ابن مشهدی در کتاب المزار الکبیر دو سند را برای این زیارت ارائه نموده که سند دوم، سند متصل و صحیح است: «وَأَخْبَرَنِي الْقَفِيه الْأَجَلُّ أَبُو الْفَضْلِ شَاذَانَ بْنِ جُبَيْرِ الْقَمِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، عَنِ الْقَفِيهِ الْعِمَادِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي الْقَاسِمِ لَطَبَرِي، عَنْ أَبِي عَلِيٍّ، عَنْ وَالِدِهِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ النُّعْمَانِ، عَنْ أَبِي الْقَاسِمِ جَعْفَرِ بْنِ قَوْلُوهِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَغُوثِ الْكَلْبِيِّ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ أَبِي الْقَاسِمِ بْنِ رُوحٍ وَ عُثْمَانَ بْنِ سَعِيدِ الْعُمَرِيِّ، عَنْ أَبِي مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْعَشْكَرِيِّ، عَنْ أَبِيهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمَا».



۲. جایگاه زیارت در منظومه معرفت دینی

زیارت در فرهنگ اسلامی، به ویژه در مکتب اهل بیت علیهم السلام، فراتر از آیینی مناسکی یا احساس فردی است، بلکه رفتاری عبادی و معرفتی با کارکرد تربیتی و الهی است که در منظومه معرفت دینی جایگاه ممتازی دارد. این رفتار، علاوه بر ابراز محبت و تکریم اولیای الهی، آینه توحید، نبوت، امامت و معاد است. از نظر لغوی، «زیارت» به معنای قصد و رو آوردن به همراه تکریم است و در معنای توحیدی اش، بریدن از غیر خدا و جهت گیری خالصانه به سوی وجه الله به شمار می رود. این معنا در آموزه های امامیه، در زیارت قبور حجج الهی و تجدید عهد با ایشان به اوج می رسد.

قرآن کریم در آیه «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى» (شوری: ۲۳)، محبت به اهل بیت علیهم السلام را پاداش رسالت معرفی می کند که یکی از مظاهر عینی آن، زیارت و تعظیم مقام ایشان است. همچنین آیه «وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاءُوكَ» (نساء: ۶۴) مشروعیت و تأکید بر مراجعه به پیامبر صلی الله علیه و آله پس از حیات ظاهری را در طلب مغفرت بیان می کند و این چنین بر مشروعیت و تأثیر معنوی زیارت اولیای الهی تأکید دارد.

روایات نیز بر جنبه معرفتی و الهی زیارت تصریح دارند؛ چنان که آمده است: «بِنَا عُبِدَ اللَّهُ» و «بِنَا عُرِفَ اللَّهُ» (کلینی، ۱۴۰۷: ۱/۱۴۵)؛ یعنی معرفت و عبادت حقیقی خدا جز از رهگذر شناخت آنان حاصل نمی شود. از این رهگذر در روایات نیز بر این بعد معرفتی تأکید شده و دلالت دارد بر این که زیارت نشانه ای از وفاداری به پیمان امامت و جزئی از وظیفه ایمانی شیعیان نسبت به امامان است. امام رضا علیه السلام در تبیین این حقیقت می فرماید:

إِنَّ لِكُلِّ إِمَامٍ عَهْدًا فِي عُنُقِ أَوْلِيَائِهِ وَ شِيعَتِهِ وَإِنْ مِنْ تَمَامِ الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ وَ حُسْنِ الْأَدَاءِ زِيَارَةُ قُبُورِهِمْ فَمَنْ زَارَهُمْ رَغْبَةً فِي زِيَارَتِهِمْ وَ تَصَدِّقًا بِمَا رَغَبُوا فِيهِ كَانَ أَثِمَّتُهُمْ شُفَعَاءَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ (کلینی، ۱۴۰۷: ۴/۵۶۷، حر عاملی،

از دیگر سو، پیوند زائر با مزور، پیوندی فراتر از زمان و مکان است؛ آن‌گونه که در زیارت رسول خدا ﷺ می‌خوانیم:

وَإِذْ لَمْ أَلْحَقْكَ حَيًّا فَقَدْ قَصَدْتُكَ بَعْدَ مَوْتِكَ، عَالِمًا أَنَّ حُرْمَتَكَ مَيِّتًا
كَحُرْمَتِكَ حَيًّا، فَكُنْ لِي بِذَلِكَ عِنْدَ اللَّهِ شَهِيدًا (مجلسی، ۱۴۰۴: ۱۷۰/۹۷).

همچنین در اذن دخول در مشاهد مشرفه اشاره شده است که حیات و ممات مزور برای زائر تفاوتی ندارد و خود را در منظر مزور مشاهده می‌کند و این خود، بر حقیقت زیارت دلالت دارد که همان پیوند حقیقی با حجت خدا است:

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَعْتَقَدْتُ [اَعْتَقَدُ] حُرْمَةَ صَاحِبِ هَذَا الْمَشْهَدِ الشَّرِیْفِ فِیْ
غَیْبَتِهِ کَمَا اَعْتَقَدُهَا فِیْ حَضَرَتِهِ وَ اَعْلَمُ اَنَّ رَسُوْلَكَ وَ خُلَفَاءَكَ عَلَیْهِمْ
السَّلَامُ اَحْیَاءٌ عِنْدَكَ یُرْزَقُوْنَ یَرْوُنْ مَقَامِی وَ یَسْمَعُوْنَ کَلَامِی وَ یَرُدُّوْنَ
سَلَامِی وَ اَنَّكَ حَجَبْتَ عَنِّی سَمْعِی کَلَامَهُمْ وَ فَتَحْتَ بَابَ فَهْمِی بِلَذِیْدٍ
مُنَاجَاتِهِمْ... (کفعمی، ۱۴۰۵: ۴۷۲/۱).

این مضامین نشان می‌دهند که حیات و ممات اولیای الهی در پیشگاه خداوند یگانه است و زیارت در حقیقت، اتصال با حجت الهی است نه صرف حضور در مکان مقدس. زیارت‌نامه‌های مأثور از معصومان علیهم‌السلام نیز متونی چندوجهی‌اند؛ از منظر اعتقادی تجدید عهد با امام، از جنبه معرفتی حامل آموزه‌های توحیدی و امامت، از بُعد تفسیری آینه فهم قرآن و از نگاه اجتماعی پیونددهنده جامعه شیعه با پیشوایان دین. بنابراین، زیارات، به‌ویژه زیارت غدیری^۱ امام هادی علیه‌السلام نه صرف دعا که متنی تفسیری و کلامی است؛ مدرسه‌ای که زائر در آن با بیانی و حیانی با معارف قرآن و سنت روبه‌رو می‌شود. زیارت غدیری^۲ جایگاهی نظام‌مند در تبیین مقام و نصب الهی امیرالمؤمنین علیه‌السلام و احتجاج بر خلافت دارد و مجموعه‌ای از آیات امامت و ولایت را به‌گونه‌ای جامع گرد آورده است.

۳. ساختار و رویکرد قرآنی در زیارت غدیریه و تمایز آن با زیارت جامعه کبیره

زیارت در منظومه دینی تشیع، ابزاری برای ارتقای معرفت و تعمیق رابطه با اهل بیت علیهم السلام است. در این میان، دو زیارت از امام هادی علیه السلام - یعنی زیارت جامعه کبیره و زیارت غدیریه - جایگاه ممتازی دارند. هر دو از یک منبع صدور برخوردارند؛ اما در مخاطب، محتوا، ساختار و نحوه بهره‌گیری از قرآن تفاوت بنیادین دارند. شناخت تطبیقی این دو متن، افق‌های تازه‌ای از امام‌شناسی و کارکرد معرفتی زیارت را می‌گشاید.

زیارت جامعه کبیره با بیانی تبیینی و توصیفی، مخاطب شیعی آگاه را هدف قرار داده و بر تبیین جایگاه تشریعی و تکوینی امام در نظام هستی تمرکز دارد؛ درحالی‌که زیارت غدیریه مخاطبی فراتر از باورمندان به امامت راستین داشته و ناظر به رخداد غدیر خم، جامعه مخاطب خود را به بازخوانی حجت‌های قرآنی و تاریخی برای اثبات ولایت امیرمؤمنان علیه السلام دعوت می‌کند.

از منظر رویکرد قرآنی، زیارت جامعه کبیره بیشتر بر مضامین کلی قرآن - مانند طهارت، عصمت و افضلیت امام - تکیه دارد و غالباً بر باطن آیات تأکید دارد؛ اما زیارت غدیریه با نگاهی تنزیلی و تطبیقی، ده‌ها آیه را صریحاً یا تلویحاً در ساختار تاریخی و احتجاجی خود وارد ساخته است. این آیات بر وقایعی چون غدیر، بدر، حنین، جمل، صفین، حدیث منزلت، سقیفه و شهادت حضرت فاطمه علیها السلام تطبیق یافته‌اند. آیه ولایت (مائده: ۵۵)، آیه ابلاغ (مائده: ۶۷)، آیه اکمال (مائده: ۳) و آیه صراط مستقیم (انعام: ۱۵۳) از جمله شواهد برجسته‌ای هستند که نشان می‌دهند زیارت غدیریه، فراتر از یک دعای زیارتی، تفسیری امامتی از قرآن است.

در بعد ساختارشناسی نیز تفاوت آشکار است؛ جامعه کبیره بر مدح و توصیف نورانی ائمه اطهار علیهم السلام استوار است؛ حال آنکه غدیریه افزون بر مدح، بافت استدلالی و احتجاجی دارد و پاسخ‌گوی منکران ولایت است.

از ویژگی‌های ممتاز زیارت غدیریه، بخش مفصلی است که رویدادهای صدر اسلام را با جهت‌گیری حق و باطل بازمی‌نماید و در ضمن آن، لعن دشمنان اهل بیت علیهم‌السلام را محور تفکیک جبهه‌ها قرار می‌دهد. این بخش، وجهه اجتماعی و تاریخی زیارت را برجسته می‌سازد و نشان می‌دهد که امام هادی علیه‌السلام در قالب زیارت، تاریخ را به محک قرآن و سنت می‌گذارد.

بنابراین، زیارت جامعه کبیره امامت را در سطحی هستی‌شناسانه و فراتاریخی می‌نمایاند؛ درحالی‌که زیارت غدیریه آموزه امامت را در بستر تاریخی و اجتماعی صدر اسلام تثبیت می‌کند و با تکیه بر قرآن، سنت و منطق احتجاجی، امامت علوی را به مثابه تفسیر حقیقی وحی بازخوانی می‌نماید.

۴. بازنمایی نظام جامع امامت از منظر قرآن در زیارت غدیریه

این بخش، تحلیل نظام‌مند فرازهای زیارت غدیریه امام هادی علیه‌السلام و پیوند هریک با آیات قرآن کریم است؛ بر پایه این رویکرد که این فرازها تبیین و ترجمان الهی قرآن از سوی امام معصوم‌اند. فرازهای منتخب با الگوی «نظام جامع موضوعات امامت» تنظیم شده‌اند تا در سیر منطقی کلامی، تصویری جامع از حقیقت امامت به دست آید. پژوهش بر فرازهایی تمرکز دارد که امام هادی علیه‌السلام در آن‌ها بر آیات قرآن تصریح یا به‌گونه‌ای تلویحی با پیوست به روایات، اشاره فرموده است و همه فرازهای منتخب براساس «شرایط امام» از نصب، عصمت، افضلیت و علم ویژه و نیز «مناصب امام» از قبیل ولایت، حجیت و هدایت و موضوع، «مقامات امام» و «وظایف امت نسبت به امام» و در پایان به «تاریخ نهاد امامت» تنظیم شده است.

۴-۱. شرایط امام در زیارت غدیریه

در اندیشه امامت، «شرط» به ویژگی‌ای اطلاق می‌شود که تحقق امامت بدون آن ممکن نیست و فقدان آن، موجب بطلان منصب امامت می‌شود. تفاوت نگرش تشیع و اهل سنت در مسئله انتصاب یا انتخاب امام، مستقیماً بر تعریف این



شروط اثر دارد. از نگاه شیعه، چون امام منصبی الهی و منصوب از جانب خداوند است، باید از صفاتی برخوردار باشد که لازمه این نصب است و هیچ نقصی در او راه ندارد. در نتیجه، صفاتی مانند عصمت، نصب، علم خاص و افضلیت به عنوان شروط خاص امامت، ضروری و تعیین کننده هستند؛ درحالی که شروط عام مانند عقل، بلوغ، ایمان، اسلام و شجاعت، میان تمام مکاتب اسلامی مشترکند. بررسی فرازهای زیارت غدیریه نشان می دهد که امام هادی علیه السلام در این متن، با استناد به آیات قرآن، چهار شرط اصلی یعنی نصب، عصمت، افضلیت و علم ویژه را با بیانی استدلالی و تفسیری بازنمایی نموده و از رهگذر آن، مبانی امامت انتصابی و الهی را تبیین کرده است (جمعی از پژوهشگران، ۱۴۰۲: ۲۵ و ۲۶).

۱-۴. شرط نصب

از بنیادی ترین مباحث مورد نزاع میان امامیه و سایر مذاهب، چگونگی تعیین امام پس از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است. اهل سنت تعیین امام را به دست مردم می دانند؛ اما امامیه بر این باور است که امامت همچون نبوت، منصبی الهی است که تنها از جانب خداوند جعل و با تنصیص به مردم اعلام می شود. زیارت غدیریه یکی از منابع روایی مهم در تثبیت این اصل اعتقادی است و نشان می دهد که سنت جعل الهی در امامت استمرار یافته و پیروی از ولی منصوب الهی لازم است.

در فراز محوری زیارت آمده است: «وَأَشْهَدُ أَنَّهُ قَدْ بَلَغَ عَنِ اللَّهِ مَا أُنْزِلُهُ فِيكَ فَصَدَعَ بِأَمْرِهِ»؛ زائر شهادت می دهد که پیامبر صلی الله علیه و آله هرآنچه از سوی خداوند درباره امیرالمؤمنین علیه السلام نازل شد، آشکارا ابلاغ کرد. تعبیر «فَصَدَعَ» به معنای شکافتن و اظهار بی پرده حقیقت است و بر اعلان آشکار ولایت الهی دلالت دارد. این مضمون به روشنی با دو آیه «فَاذْهَبْ بِمَا تُؤْمَرُ» (حجر: ۹۴) و آیه «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ...» (مائده: ۶۷) پیوند می یابد که مأموریت الهی پیامبر را در ابلاغ امامت نشان می دهند.

امام هادی علیه السلام در این زیارت، در کنار این تصریح، با تعبیر دیگری نیز بر

انتصابی بودن امام تأکید می‌کند. از جمله در فراز «أَيَّدَكَ اللَّهُ وَ هَذَاكَ وَ أَخْلَصَكَ وَ اجْتَبَاكَ» که برگزیدگی از سوی خدا را یاد می‌کند. واژه «اجتباک» مفهومی فراتر از انتخاب بشری دارد و انتخابی براساس علم و حکمت الهی است؛ همان‌گونه که قرآن درباره حضرت آدم عليه السلام می‌فرماید: «ثُمَّ اجْتَبَاهُ رَبُّهُ فَتَابَ عَلَيْهِ وَ هَدَى» (طه: ۱۲۲) و درباره دیگر انبیا عليهم السلام می‌گوید: «وَ اجْتَبَيْنَاهُمْ وَ هَدَيْنَاهُمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» (انعام: ۸۷). این چنین مفهوم اجتبا بر الهی بودن گزینش و انتصاب امام دلالت دارد و تأکید می‌کند که امامت، منصبی آسمانی و غیرانتخابی است.

۴-۱-۲. شرط عصمت

عصمت امام از ارکان مسلم امامت در مکتب امامیه است. دلیل عقلی آن است که اطاعت مطلق از امام تنها در صورت مصونیت او از خطا و گناه ممکن است؛ زیرا فرمان‌برداری بی قید از فرد خطاپذیر، مستلزم ضلالت است. بنابراین، عصمت شرط ضروری برای امامت و استمرار هدایت الهی به شمار می‌آید (حلی، ۱۴۱۳: ۳۶۴).

در روایات اهل بیت عليهم السلام واژگان متعددی مانند اذهاب رجس، طهارت، خلوص، منزّه بودن و... بر عصمت دلالت دارند که در زیارت غدیریه نیز به صورت‌های گوناگون به کار رفته‌اند. تطبیق این فرازها با آیات قرآن، پیوند ناگسستنی میان امام و عصمت را آشکار می‌سازد و مؤید تفسیر امام هادی عليه السلام از مقام عصمت امیرالمؤمنین عليه السلام است. فراز «لَمْ تَزَلْ لِلْهَوَىٰ مُخَالِفًا، وَ لِلتَّقَىٰ مُحَالِفًا» بر پرهیز مطلق امام از تمایلات نفسانی و التزام کامل به تقوا دلالت دارد و با آیه «وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَ نَهَىٰ النَّفْسَ عَنِ الْهَوَىٰ» (نازعات: ۴۰) هم‌سو است. همچنین عبارت «وَعَلَىٰ كَظْمِ الْغَيْظِ قَادِرًا، وَ عَنِ النَّاسِ عَافِيًا غَافِرًا» تصویری از تسلط و کنترل امام بر نفس خویش است که در آیه «وَالْكَافِرِينَ الْغَيْظُ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ» (آل عمران: ۱۳۴) ویژگی پارسایان معرفی شده است.

فراز «فَمَا تَنَاقَضَتْ أَفْعَالُكَ وَلَا اخْتَلَفَتْ أَقْوَالُكَ...» و نیز فراز «وَلَا دَنَسَكَ

الْأَثَامُ» و جمله «وَلَا ادَّعَيْتَ وَلَا افْتَرَيْتَ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا» مستقیماً به طهارت و عدم آلودگی به هرگونه گناه و نیز عصمت در گفتار و عدم صدور هرگونه دروغ یا افترا بر خداوند از سوی امام اشاره دارد که این فرازا در آیه تطهیر ریشه دارند: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً» (احزاب: ۳۳)؛ آیه‌ای که محور استدلال امامیه بر عصمت اهل بیت علیهم‌السلام است.

در فراز دیگر، امام هادی علیه‌السلام با بیان غصب فدک و ردّ شهادت امیرمؤمنان و حسنین علیهم‌السلام، بر طهارت و عصمت مطلق اهل بیت علیهم‌السلام تأکید می‌کند: «وَالْأَمْرُ الْأَعْجَبُ، وَالْخَطْبُ الْأَفْطَحُ بَعْدَ جَحْدِكَ حَقَّكَ غَضَبُ الصِّدِّيقَةِ الطَّاهِرَةِ الزَّهْرَاءِ، سَيِّدَةِ النِّسَاءِ فَدَكَاً... فَأَذْهَبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ وَطَهَّرَكُمْ تَطْهِيراً». این فراز، بیانگر ستم مادی و نوعی اعتراضی فقهی به ردّ گواهی معصومان علیهم‌السلام و یادکردی الهی از برتری قدسی آنان است. امام در ادامه به آیه «إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعاً... إِلَّا الْمُصَلِّينَ» (معارج: ۱۹-۲۲) اشاره کرده و اضافه فرمود: «فَأَسْتَشْنَى اللَّهُ تَعَالَى نَبِيَّهُ الْمُصْطَفَى، وَ أَنْتَ يَا سَيِّدَ الْأَوْصِيَاءِ مِنْ جَمِيعِ الْخَلْقِ». این آیه ویژگی‌های منفی «هلوع» بودن انسان (شتاب‌زدگی، بی‌تابی در برابر شر و بخل در برابر خیر) را بیان کرده و «مصلّین» را از این قاعده مستثنا می‌سازد. بنابراین، پیامبر و امیرمؤمنان علیهم‌السلام از ضعف‌های ذاتی بشر مستثنا و در مرتبه کمال و عصمت جای گرفته‌اند.

عبارت «مَا كَذَبْتُ وَلَا كَذَبْتُ وَلَا ضَلَلْتُ وَلَا ضَلَلْتُ وَلَا نَسِيتُ مَا عَاهَدَ إِلَيَّ رَبِّي» نهایت مصونیت امام از دروغ، خطا، گمراهی و نسیان را بازتاب می‌دهد و با آیه «وَمَا ضَلَّ صَاحِبُكُمْ وَمَا غَوَى وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَى» (نجم: ۲-۳) هم جهت است؛ یعنی همان‌گونه که پیامبر در بیان وحی معصوم است، امام نیز در تفسیر و ابلاغ دین از هر لغزش مصون است.

۳-۱-۴. شرط افضلیت

از شروط اصلی امامت در اندیشه کلامی امامیه، افضلیت امام نسبت به دیگران است که در آیات و گفتار نبوی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم با گونه‌های مختلف به آن اشاره شده است

(سبزواری، ۱۳۹۹: ۱۰۶-۱۳۴). زیارت غدیریه نیز در فرازهای متعدد، این برتری را در ابعاد ایمان، علم، عبادت، جهاد، صدق و نور ولایت نشان داده و با استناد به آیات قرآن، حقیقت برتری ذاتی امیرمؤمنان علیه السلام را آشکار ساخته است. فراز «مَوْلای فَضْلُکَ لَا یَخْفَى، وَ نُورُکَ لَا یُطْفَأُ» بر فضل و نورانیت بی پایان امام دلالت دارد و با آیه «یُرِیدُونَ لِیُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَهِهِمْ وَ اللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ» (صف: ۸) تطبیق می یابد؛ نوری که خاموش نشدنی است و نشانه تأیید الهی بر ولایت است.

عبارت «لَقَدْ رَفَعَ اللَّهُ فِی الْأُولَى مَنَزِلَتَکَ وَ أَعْلَى فِی الْآخِرَةِ دَرَجَتَکَ» بیانگر رفعت مقام او در دنیا و آخرت است. آیه «یَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ» (مجادله: ۱۱) مؤید آن است و مصداق اتم آن، حجت خداوند و خلیفه برحق او است. در فراز دیگر، امام هادی علیه السلام با استناد به آیه «أَفَمَنْ كَانَ مُؤْمِنًا كَمَنْ كَانَ فَاسِقًا لَا يَسْتَوُونَ» (سجده: ۱۸) می فرماید: «وَ اللَّهُ تَعَالَى أَخْبَرَ عَمَّا أَوْلَاکَ مِنْ فَضْلِهِ»؛ بدین گونه امیرمؤمنان علیه السلام را منحصر در عنوان مؤمن حقیقی معرفی می کند که ایمان و عمل صالح معیار سنجش سایر مؤمنان است.

فراز «أَنْتَ مُطْعِمُ الطَّعَامِ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَ يَتِيمًا وَ أَسِيرًا...» مصداق دیگری از افضلیت امام است؛ چنان که نزول سوره هل آتی در قرآن و آیه «يُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَ يَتِيمًا وَ أَسِيرًا» (انسان: ۷-۹) بر آن اشاره دارد. این ایشار مطلق، مرتبه ای فراتر از عمل صالح معمول و نشان دهنده قُرب خاص الهی است. در ذکر آیه «وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ» (بقره: ۲۰۷)، امام هادی علیه السلام به فداکاری شب لیلۃ المبیت اشاره دارد؛ هنگامی که امیرمؤمنان علیه السلام جان خویش را در بستر پیامبر صلی الله علیه و آله نهاد. این ایشار، اوج ایمان و شاهد قرآنی بر برتری حضرت در مرتبه اخلاص است.

از جلوه های مهم افضلیت، جهاد در راه خدا است. زیارت در جمله جامع «وَ أَنْتَ وَلِیُّ اللَّهِ وَ أَخُو رَسُولِهِ وَ الدَّابُّ عَنْ دِينِهِ وَ الَّذِی نَطَقَ الْقُرْآنُ بِتَفْضِيلِهِ»، جایگاه الهی امام را بیان و به آیه «وَفَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا» (نساء: ۹۵)



استناد می‌کند. امام در ادامه آیات ۹-۱۱ سوره توبه را می‌خواند که اعمال ظاهرا مقدسی مانند سقایت حاجیان را در برابر ایمان و جهاد علی علیه السلام ناچیز می‌شمرد و به تصریح آیه **﴿لَا يَسْتَوُونَ عِنْدَ اللَّهِ﴾** (توبه: ۱۹) بر افضلیت آن حضرت گواهی می‌دهد. روایات تفسیری نیز بیان می‌کنند که این آیه پس از جدال افتخارآمیز میان عباس بن عبدالمطلب و شیبه با امام علی علیه السلام نازل شد تا برتری ایمان، هجرت و جهاد ایشان را بر دیگران اثبات کند (قمی، ۱۴۰۴: ۲۸۴/۱؛ عیاشی، ۱۳۸۰: ۸۳/۲؛ مجلسی، ۱۴۰۴: ۲۸۸/۲۲؛ ۳۷/۳۶).

بنابراین، زیارت غدیریه با استناد منسجم به قرآن، افضلیت امیرمؤمنان علیه السلام را در همه مراتب ایمان، علم، عمل، جهاد و صدق آشکار ساخته و از این رهگذر، حقانیت امامت و خلافت الهی را بر پایه عقل و وحی تثبیت می‌کند.

۴-۱-۴. شرط علم ویژه

امامت در باور امامیه، جایگاهی الهی و انتصابی است و متصدی آن باید دارای «علم ویژه و موهبتی» باشد؛ دانشی الهی، نه اکتسابی که از منبع لایزال حق به او افزوده می‌شود تا حجت الهی بر زمین باشد و در تمام عرصه‌های معرفتی، اخلاقی و عملی، کمال و بی‌خطایی خویش را در هدایت امت بنمایاند. چنین علمی، امام را قادر می‌سازد تا شریعت را تبیین، اختلافات را رفع و در پیچیده‌ترین وقایع، جامعه را رهبری کند.^۱ امام هادی علیه السلام در زیارت غدیریه، این شرط را در وجود امیرالمؤمنین علیه السلام به روشنی تصویر می‌کند.

فراز **«وَبَصْرَكَ مَا عَمِيَ عَلَى مَنْ خَالَفَكَ»** نشانگر بصیرت الهی و علم ویژه آن حضرت است که بر مخالفان پوشیده ماند و جمله **«وَأَنْتَ الْعَالِمُ بِخُدُودِ اللَّهِ مِنْ جَمِيعِ الْبَرِّيَّةِ»** بر احاطه او بر حدود و احکام الهی دلالت دارد. این علم الهی شامل **«علم تنزیل و تأویل»** نیز است؛ چنان‌که آمده: **«وَأَنْتَ الْمَخْصُوصُ بِعِلْمٍ**

۱. امام رضا علیه السلام می‌فرماید: **«الْإِمَامُ عَالِمٌ لَا يَجْهَلُ وَرَاعٍ لَا يَنْكُلُ مَعْدِنُ الْقُدُسِ وَالْظَّهَارَةِ وَالنُّسُكِ وَالزَّهَادَةِ وَالْعِلْمِ وَالْعِبَادَةِ...»** (کلینی، ۱۴۰۷: ۴۹۸/۱ و ۴۹۹).

التَّنْزِيلِ وَحُكْمِ التَّأْوِيلِ». این مضمون با آیات «وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ» (آل عمران: ۷) و آیه «وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ» (نحل: ۴۴) هماهنگ است که در آن‌ها «راسخون در علم» - یعنی امامان معصوم علیهم‌السلام - عالمان حقیقی تأویل قرآن معرفی شده‌اند.^۱ از این رو، علم موهبتی از مهم‌ترین شروط امامت و پایه مرجعیت علمی و هدایتگری امام است.

فراز «فَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ سَاوَاكَ بِمَنْ نَاوَاكَ، وَاللَّهُ جَلَّ اسْمُهُ يَقُولُ: «هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ» (زمر: ۹) لَعَنَ اللَّهُ مَنْ عَدَلَ بِكَ مَنْ فَرَضَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَلَايَتَكَ» نفرین پروردگار را متوجه کسانی می‌کند که با انکار برتری علمی امام، وی را هم‌تراز دشمنانش دانستند و اصل قرآنی تفاوت اهل علم با جاهلان را نادیده گرفتند. امام هادی علیه‌السلام با استناد به آیه یادشده، مخالفت با ولایت علمی و الهی امیرمؤمنان علیه‌السلام را مصداق انکار حکمت خدا می‌شمارد و کسانی را که ولایت غیر او را پذیرفته‌اند، در شمار ملعونان می‌داند؛ زیرا تنها امام موهوب علم الهی، شایسته خلافت و ولایت است.

۲-۴. مناصب و شئون امام در زیارت غدیریه

امامت در اندیشه شیعه، صرفاً رهبری سیاسی نیست، بلکه مجموعه‌ای از مناصب الهی است که تحقق اهداف غایی دین و هدایت کامل بشر را تضمین می‌کند. ریشه این مناصب در انتصاب الهی امام است؛ از این رو، تعبیر «منصب» به جای «وظیفه» - که با نگرش انتخابی اهل سنت سازگار است - دقت مفهومی بیشتری دارد. پایداری و کارآمدی نهاد امامت در گرو انجام این مناصب است که هر یک جلوه‌ای از ولایت الهی در عرصه‌های فردی و اجتماعی به شمار می‌روند. از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به ولایت تشریعی و سیاسی، خلافت و وصایت، وزارت

۱. صفار در «بَابُ فِي الْأَيْمَةِ علیه‌السلام أَنَّهُمْ الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ الَّذِي ذَكَرَهُمُ اللَّهُ تَعَالَى فِي كِتَابِهِ» (صفار، ۲۰۲/۱: ۱۴۰۴) هشت روایت و شیخ کلینی در باب «ذَكَرَهُمُ اللَّهُ تَعَالَى فِي الْعِلْمِ هُمُ الْأَيْمَةُ علیه‌السلام» (کلینی، ۲۱۳/۱: ۱۴۰۷) سه روایت از اهل بیت علیهم‌السلام نقل کرده‌اند که مقصود از «راسخون فی العلم» امامان معصوم علیهم‌السلام هستند.



پیامبر، حجیت و مرجعیت علمی، رهبری دینی-اجتماعی، حفظ دین و شفاعت اشاره کرد. این مناصب در حقیقت ابعاد گوناگون ولایت و رهبری امام را آشکار می‌سازند و تبیین می‌کنند که چرا امامت، نهادی فراتر از ساختار انسانی و مظهر اراده و لطف خداوند برای هدایت بشر است. امام هادی علیه السلام در زیارت غدیریه، با زبانی تفسیری به مصادیق متعدد این مناصب پرداخته و آن‌ها را در پرتو آیات قرآن مورد تأیید و تبیین قرار داده است (جمعی از پژوهشگران، ۱۴۰۲: ۲۸).

۱-۲-۴. ولایت

در میان مناصب امام، منصب ولایت و اولویت جایگاهی محوری دارد. ریشه واژگان «ولی»، «مولی» و «ولایت» از ماده «واو، لام، یاء» بر قرب و نزدیکی دلالت می‌کند (ابن فارس، ۱۴۱۵: ۱۴۰/۶؛ راغب اصفهانی، ۱۴۰۴: ۵۳۳) و در عرف، معنای سرپرستی و حق دخالت و تصرف در امور دیگران را می‌رساند. ازاین‌رو، ولایت در اصطلاح، به معنای حق سرپرستی، اداره امور و اولویت داشتن بر جان و مال مؤمنان است که در انتصاب الهی امام ریشه دارد.

زیارت غدیریه این منصب را با استناد به قرآن و سنت نبوی، صریحا برای امیرمؤمنان علیه السلام تثبیت می‌کند. فراز آغازین «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ... وَوَلِيَّ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَمَوْلَايَ وَمَوْلَى الْمُؤْمِنِينَ» ولایت امام را امتداد ولایت الهی معرفی می‌کند و به آیه ولایت (مائده: ۵۵) اشاره روشنی دارد. امام هادی علیه السلام برای تأیید این حقیقت، به آیات دیگری نیز تمسک می‌کند: نخست آیه ارتداد «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ... يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ» (مائده: ۵۴) که اوصاف آن قوم متقی را - از جمله محبت الهی، جهاد و شجاعت - منطبق بر امیرمؤمنان علیه السلام می‌داند. سپس آیه «وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ» (مائده: ۵۶) را یادآور می‌شود که پیروان ولایت الهی و رسول و امام را «حزب الله» خوانده و پیروزی را مشروط به این تولی می‌سازد. بدین ترتیب، پذیرش ولایت امام جزء جدایی‌ناپذیر اطاعت از خدا و رسول است.

امام در بخش دیگری، در فراز «فَوَضَعَ عَلَى نَفْسِهِ أَوْزَارَ الْمَسِيرِ... مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلَيَّ مَوْلَاهُ» واقعه غدیر را به رسمیت نصب ولایت و سرپرستی تفسیر می‌کند. تعبیر «أَلَسْتُ أَوَّلَى بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ» در خطبه، شاهد قرآنی اولویت و حق تصرف پیامبر ﷺ بر امت است: «التَّيُّ أَوَّلَى بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ» (احزاب: ۲۱) که بلافاصله با عبارت «من كنت مولاه فهذا علي مولاه» به علی علیه السلام تفویض می‌شود. در ادامه، فراز «وَجَعَلْتُكَ أَوَّلَى بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ كَمَا جَعَلَ اللَّهُ كَذَلِكَ» تفسیر نهایی این منصب است؛ بدین معنا که خداوند همان «اولویت» پیامبر ﷺ را برای علی علیه السلام نیز جعل کرده است. بنابراین، ولایت امام نه انتخابی مردمان، بلکه نصب الهی و استمرار ولایت نبوی است.

۲-۲-۴. حجیت

یکی از پربسامدترین واژگان در مباحث کلامی شیعه، موضوع «حجت» است و بر برهان قاطع الهی برای اتمام حجت بر بندگان دلالت دارد. از ریشه «احتجاج»، معنای دلیل روشن و اقناع‌کننده فهمیده می‌شود (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۱۰/۳؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ۲۲۸/۲). ازاین‌رو، «حجة الله» کسی است که وجود، قول و فعلش نشانه تام الهی و برهان آشکاری بر خلق است (احمدی، ۱۳۹۸). براساس سنت الهی، زمین هیچ‌گاه از حجت خالی نمی‌ماند تا طریق هدایت مسدود نگردد و عذاب الهی جز پس از اتمام حجت روا نباشد و همان اصل قرآنی «وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّى نَبْعَثَ رَسُولًا» (اسراء: ۱۵؛ رک: فاطر: ۲۴؛ شعراء: ۲۰۸) را بازتاب می‌دهد.

امام هادی علیه السلام در زیارت غدیریه این منصب را بارها برای امیرمؤمنان علیه السلام تثبیت کرده است. در فرازهایی مانند «وَحُجَّتُهُ الْبَالِغَةُ عَلَى عِبَادِهِ» و «مَوْلَايَ أَنْتَ الْحُجَّةُ عَلَى الْعِبَادِ»، آن حضرت را مصداق آیات «قُلْ فَلِلَّهِ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ» (انعام: ۱۴۹) و «لَيْلًا يَكُونُ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ» (نساء: ۱۶۵) معرفی می‌کند.

۱. «... وَ قَطَعَ اللَّهُ عَذْرَ عِبَادِهِ بِتَبْيِينِ آيَاتِهِ وَ إِسْئَالِ رُسُلِهِ لَيْلًا يَكُونُ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ وَ لَمْ يَحُلْ أَوْضُهُ مِنْ عَالِمٍ بِمَا يَحْتَاجُ إِلَيْهِ الْخَلِيقَةُ وَ مُتَعَلِّمٌ عَلَى سَبِيلِ النَّجَاةِ...» (طبرسی، ۱۴۰۳: ۱/۲۴۸).



بدین معنا که امام، همان برهان بالغه و واسطه اتمام حجت پس از رسل است و مجرای تداوم دعوت الهی.

امام هادی علیه السلام در عبارت جامع تر «مَوْلَايَ أَنْتَ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ وَالْمَحَجَّةُ الْوَاضِحَةُ وَالنِّعْمَةُ السَّابِغَةُ وَالْبُرْهَانُ الْمُنِيرُ»، ابعاد این مقام را تبیین می سازد و با تعبیر «الْبُرْهَانُ الْمُنِيرُ»، امام را با بیان دیگری از این مقام با عنوان برهان روشن بر حجت بودن امام تأکید می کند که آیه «يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ بُرْهَانٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ نُورًا مُبِينًا» (نساء: ۷۴) مصداق همین وصف است؛ یعنی پیوند حجت و برهان با نور الهی در وجود امام تبلور یافته است.

بنابراین زیارت غدیریه، منصب «حجیت» را از محدوده نظری به مرتبه وجودی و تکوینی امام می کشاند؛ برهان روشنی که با وجود خود، وحی مصطفی را استمرار می بخشد و عذر را از همگان می برد.

۳-۲-۴. هدایت

منصب هدایت از ارکان بنیادین امامت در اندیشه شیعه است. امام نه صرفا راهنمای اخلاقی، بلکه هادی مأذون از سوی خدا برای رساندن انسان به رشد و رستگاری است؛ چنان که بدون اذن و امر الهی، مسیر عبودیت به درستی پیموده نمی شود. امام هادی علیه السلام در زیارت غدیریه، امیرمؤمنان علیه السلام را چنین می ستاید: «وَالْهَادِي إِلَى الرَّشَادِ وَالْعُدَّةُ لِلْمَعَادِ». تعبیر «الهادي إلى الرشاد» امام را راهبر به «رشاد» یعنی صواب، حق و نجات از ضلالت معرفی می کند و فرجام این منصب، هدایت، بازداشتن از هرگونه انحراف فکری، اعتقادی و عملی است که به عنوان توشه و ذخیره ای برای زندگی ابدی و قیامت، رستگاری بندگان را به ارمغان می آورد. منصب «هدایت» در قرآن کریم نیز به روشنی مورد تأیید قرار گرفته است: «إِنَّمَا أَنْتَ مُنْذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ» (عد: ۷). این آیه وجود «منذر» (هشداردهنده) و «هادی» (هدایت کننده) را در هر قوم و عصری ضروری می داند. در تفاسیر «منذر» به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و «هادی» به امیرمؤمنان علیه السلام تفسیر شده است (صفار،

۱۴۰۴: ۲۹/۱؛ طبری، ۱۴۱۵: ۳۵۹؛ خزاز رازی، ۱۴۱۹: ۸۸) همچنین در آیه «وَجَعَلْنَاهُمْ أَيْمَةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا» (انبیاء: ۷۳)، هدایت امام منصبی الهی و مبتنی بر «جعل» و «امر» خداوند معرفی شده است.

بنابراین، هدایت امام امری تکوینی و تشریعی است که استمرار هدایت نبوی و شرط تکامل عبودیت است. این منصب نه قابل جایگزینی بشری، بلکه نشانه تداوم رحمت الهی بوده که ضامن رشد در دنیا و رستگاری در آخرت است.

۳-۴. مقامات امام در زیارت غدیریه

«مقامات امام» در منظومه فکری شیعه، به مراتب وجودی و کمالات الهی اختصاص یافته‌ای اطلاق می‌شود که بیانگر نسبت ویژه امام با خداوند و جایگاه او در میان مخلوقات در مراتب گوناگون هستی است. این مقامات، هرچند از لوازم مرتبه شامخ امامت هستند، اما نه شرط تحقق اصل امامت، بلکه درجاتی اعطایی از ناحیه الهی‌اند که معرفت به آن‌ها موجب کمال شناخت امام می‌شود (جمعی از پژوهشگران، ۱۴۰۲: ۲۶). مقامات یادشده ناظر به حضور و تأثیر امام در مراتب هستی، از عالم انوار و ارواح تا دنیا، برزخ و قیامت‌اند. امام هادی علیه السلام در زیارت غدیریه با اشاره به این مراتب، سیمای جامع وجودی امیرالمؤمنین علیه السلام را ترسیم می‌کنند و از خلال عبارات خویش، مراتب ولایت تکوینی، علم الهی، هدایت و شفاعت را در قالب آیات قرآن بیان می‌نماید. امام هادی علیه السلام در زیارت غدیریه به مقامات مختلف امیرمؤمنان علیه السلام اشاره کرده است که در ادامه با تطبیق آن‌ها بر آیات قرآن مجید به چند نمونه بسنده می‌شود:

۱-۳-۴. دین الله القویم بودن

از مقامات رفیع امام معصوم، «دین الله القویم» بودن است؛ بدین معنا که امام، نه صرفاً مبلّغ یا مفسّر، بلکه عینیت بخش و تجلی کامل دین الهی استوار است. این مقام، عطیه‌ای الهی است که پیوند وجودی امام را با حقیقت دین آشکار



می‌سازد. امام هادی علیه السلام در زیارت غدیریّه، در سلام «السَّلامُ عَلَیْكَ يَا دینَ اللَّهِ الْقَوِیمَ»، امیرالمؤمنین علیه السلام را مظهر تمام عیار دین الهی معرفی می‌کند؛ یعنی ولایت او عین تحقق دین در عالم است. نخستین استناد قرآنی این مقام، آیه «إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا... ذَلِكَ الدِّينُ الْقَیِّمُ» (توبه: ۳۶) است. مفسران امامیه در روایات، «الشهور» را به امامان دوازده‌گانه تأویل کرده‌اند (نعمانی، ۱۳۹۷: ۸۸؛ ابن‌شاذان، ۱۴۰۷: ۷۲) و «الدین القیّم» را ناظر به شریعت پایدار الهی دانسته‌اند؛ ازاین‌رو، وجود امام، ضامن قوام و استمرار دین الهی است.

همچنین آیه «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّینِ حَنِیْفًا... ذَلِكَ الدِّینُ الْقَیِّمُ» (روم: ۳۰) «دین قویم» را همان «فطرت‌الله» می‌داند که در روایات امامیه به ولایت علی علیه السلام تفسیر شده است.^۱ بنابراین، سلام زائر بر امام به‌عنوان «دین‌الله القویم» تجلی باور به پیوند ذاتی امام با حقیقت دین و ثبات فطرت الهی در وجود او است؛ امام، مظهر این دین ثابت و تغییرناپذیر در میان بشر معیار تمایز ایمان از انحراف در تاریخ بشر است.

۲-۳-۴. صراط مستقیم بودن

از والاترین مقامات امام، «صراط مستقیم» بودن است؛ یعنی امام نه صرفاً راهنما، بلکه خود تجسم راه یگانه و بی‌انحراف الهی به‌سوی خدا است. زیارت غدیریّه در پیوند با عنوان پیشین، این مقام را با عبارت «السَّلامُ عَلَیْكَ يَا دینَ اللَّهِ الْقَوِیمَ وَصِرَاطُهُ الْمُسْتَقِیمَ» برای امیرالمؤمنین علیه السلام تثبیت می‌کند. بدین‌گونه امام همان راهی است که در دعای قرآنی «أَهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِیمَ» (حمد: ۶) از خداوند طلب می‌شود؛ راهی که نعمت الهی بر آن تمام گشته و از مسیر مغضوبان و ضالّین جدا است.

۱. الإمام الباقر علیه السلام فی تفسیر قولہ عز و جل: «فَطَرَتِ اللَّهُ التَّیَّ فَطَرَ النَّاسَ عَلَیْهَا». «هُوَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ، عَلَیَّ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ وَوَلِیُّ اللَّهِ، إِلَى هَاهُنَا التَّوْحِیدُ» (ابن‌شهر آشوب، ۱۳۶۹: ۱۰۱/۳؛ مجلسی، ۱۴۰۴: ۲۷۷/۳).

امام هادی علیه السلام در بخش دیگری از زیارت می‌فرماید: «وَأَشْهَدُ أَنَّكَ الْمَعْنِيُّ بِقَوْلِ الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ: «وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السَّبِيلَ فَتَفْرَقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ» (انعام: ۱۵۳)...». این فراز، امام را مصداق حقیقی «صراطی مستقیم» معرفی می‌کند که خداوند به پیروی از آن امر کرده و هرگونه عدول از او را انحراف از سبیل حق دانسته است: «ضَلَّ وَاللَّهُ وَأَضَلَّ مَنْ اتَّبَعَ سِوَاكَ».

در فرازهای پایانی، با جمله «وَلَمْ تَزَلْ عَلَى يَبِينَةٍ مِنْ رَبِّكَ... تَهْدِي إِلَى الْحَقِّ وَإِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ»، استمرار هدایتگری امام در این مسیر الهی تثبیت می‌شود. بدین ترتیب زیارت، با تأکید بر تبعیت از «صراط واحد» در برابر «سُبُل متفرقه»، امیرالمؤمنین علیه السلام را مظهر عینی و حی صراط مستقیم معرفی می‌نماید؛ تجسمی که انحراف از او با گمراهی از راه خدا مساوی است.

۳-۳-۴. فاروق حق و باطل بودن

در منظومه مقامات امام، «فاروق بودن» جایگاه بنیادینی دارد؛ بدین معنا که امام، مرز آشکار حق و باطل و معیار تمییز هدایت از ضلالت است. این مقام، عطیه‌ای الهی است که وجود و سیره امام را میزان تشخیص مسیر الهی قرار می‌دهد. امام هادی علیه السلام در زیارت غدیریه، این شأن را با عبارت‌هایی درباره امیرالمؤمنین علیه السلام معرفی می‌کند: «وَأَنْتَ عَلَى نَهْجِ بَصِيرَةٍ وَهَدًى، وَهُمْ عَلَى سُنَنِ ضَلَالَةٍ وَعَمًى... فَأَمَاتَ بِسَيْفِكَ مَنْ عَانَكَ فَشَقِي وَهَوًى، وَأَخِيَا بِحُجَّتِكَ مَنْ سَعَدَ فَهَدًى، صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكَ...». این فراز، تقابل راه امام و مسیر معاندان را بیان می‌کند. امام بر محور بصیرت و هدایت الهی حرکت می‌کند و دشمنان او بر ضلالت و نابینایی. تعبیر «نَهْجِ بَصِيرَةٍ» با آیه «قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي» (یوسف: ۱۰۸) هم‌سو است و مفهوم «سُنَنِ ضَلَالَةٍ وَعَمًى» با آیه «وَإِنَّ الظَّالِمِينَ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ» (لقمان: ۱۱) انطباق دارد. بدین ترتیب، امام در جایگاه فاروق، با حجت خویش اهل سعادت را زنده و اهل عناد را به سقوط می‌کشانند و بدین معنا، میزان الهی در تمییز حق از باطل است.

از مقامات شاخص امامت، «امام المتقین» است؛ عنوانی که نشان دهنده تجلی تام تقوا در وجود امام و الگو بودن او برای تمامی اهل پرهیز است. امام نه صرفاً پیشوای متقین، بلکه مظهر کامل تقوا و معیار سنجش پارسایی است. امام هادی علیه السلام در زیارت غدیریّه، با سلام «السَّلامُ عَلَیْكَ يَا إِمَامَ الْمُتَّقِينَ» این مقام را به امیرالمؤمنین علیه السلام نسبت می دهد. روایات تفسیری، آیه «وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا» (فرقان: ۷۴) را بر آن حضرت تطبیق داده اند. این آیه، مقام رهبری معنوی و پیشوایی پرهیزکاران را وصفی الهی می داند که در مرتبه اعلای آن، تنها برای امام معصوم متحقق است؛ زیرا او جامع عصمت، علم و قرب الهی است. همچنین در آیه «إِذْ جَعَلَ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْحَمِيَّةَ... وَالزَّمَهُمْ كَلِمَةَ التَّقْوَى وَكَانُوا أَحَقَّ بِهَا وَأَهْلَهَا» (فتح: ۲۶) براساس روایات امامیه، «کلمة التقوى» به وجود امیرمؤمنان علیه السلام تفسیر شده است. بدین ترتیب، این مقام برای امیرمؤمنان علیه السلام، نشان دهنده عصمت، علم و قرب الهی ایشان است که او را شایسته چنین رهبری معنوی و عملی برای تمامی پرهیزکاران می سازد (ابن طووس، ۱۴۱۳: ۲۹۱؛ ابن عقده کوفی، ۱۴۲۴: ۱۵۸ و ۱۵۹؛ صدوق، ۱۳۷۶: ۳۹؛ مجلسی، ۱۴۰۴: ۳۹۰/۸).

۴-۴. تبیین وظایف امت در زیارت غدیریّه

وظایف امت در قبال امام، مجموعه ای از مناسبات معرفتی، قلبی و رفتاری است که پیوند حیات انسان با امامت الهی را سامان می دهد. بنیاد این وظایف، معرفت امام است و از آن شاخه هایی چون تولّی و تبرّی، بیعت و وفاداری، اطاعت، نصرت، تأسی و اقتدا، اخذ علم و نصیح، و ادای حقوق مالی منشعب می شود (جمعی از پژوهشگران، ۱۴۰۲: ۲۹). امام هادی علیه السلام در زیارت غدیریّه، ضمن تبیین معارف و فضایل امیرمؤمنان علیه السلام، از باب تربیت زائر او را در قالب فرازهایی به وظایف خویش آگاه می سازد که در ادامه به برخی از آن ها اشاره می شود.

نخستین و اصلی‌ترین وظیفه امت، معرفت عمیق به حجت الهی است؛ شناختی که فراتر از آگاهی تاریخی بوده و درک جایگاه الهی و ولایت امام را دربر می‌گیرد. سایر وظایف دینی، بر این معرفت استوارند. زیارت غدیریه، با استناد به قول پیامبر خدا ﷺ محور ایمان را در پذیرش ولایت معرفی می‌کند:

وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ مَا آمَنَ بِي مَنْ كَفَرَ بِكَ، وَلَا أَقَرَّ بِاللَّهِ مَنْ جَحَدَكَ،
وَقَدْ ضَلَّ مَنْ صَدَّ عَنْكَ وَلَمْ يَهْتَدِ إِلَى اللَّهِ وَلَا إِلَيَّ مَنْ لَا يَهْتَدِي بِكَ، وَهُوَ
قَوْلُ رَبِّي عَزَّوَجَلَّ: «وَإِنِّي لَعَفَّارٌ لِمَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَى» (طه: ۸۲)
إِلَى وَلَاتِكَ.

این بیان نبوی ﷺ، تلازم ایمان به خدا، پیامبر و ولایت امیرالمؤمنین (علیه السلام) را آشکار می‌کند؛ بدین معنا که ایمان حقیقی جز با معرفت و پذیرش ولایت امام کامل نمی‌شود. فراز «ثُمَّ اهْتَدَى إِلَى وَلَاتِكَ» تفسیر روشنی از ارتباط میان هدایت قرآنی و امامت است؛ هدایت الهی تنها از مسیر ولایت امام جریان می‌یابد و انکار آن، گمراهی از توحید و نبوت است. از این رو، معرفت امام نه یک شناخت اختیاری، بلکه شرط تام تحقق ایمان و نائل شدن به مغفرت و رحمت واسعه الهی است.

۴-۴-۲. اعتقاد و ایمان به ولایت

پس از معرفت، دومین وظیفه بنیادین امت نسبت به امام، ایمان و اعتقاد به ولایت او به عنوان حجت الهی است. این ایمان، صرفاً باور ذهنی نیست، بلکه مبنای عمل صالح و استمرار هدایت الهی پس از پیامبر اکرم ﷺ محسوب می‌شود. ولایت در منظومه معارف شیعی، حلقه اتصال نبوت با استمرار دین است و انکار آن موجب نقصان ایمان و خروج از مسیر دین قویم می‌شود. امام هادی (علیه السلام) در زیارت غدیریه، پیوند ناگسستنی نبوت و امامت را چنین تبیین می‌فرماید:

أَشْهَدُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ أَنَّ الشَّائِكَ فَيْكَ مَا آمَنَ بِالرَّسُولِ الْأَمِينِ، وَأَنَّ الْعَادِلَ

بِكَ غَيْرِكَ عَانِدٌ عَنِ الدِّينِ الْقَوِيمِ الَّذِي اتَّصَاهُ لَنَا رَبُّ الْعَالَمِينَ، وَأَكْمَلَهُ
بِوَلَايَتِكَ يَوْمَ الْعَدِيرِ.

این فراز به وضوح بر ملازمه نبوت و امامت تأکید می‌کند و بیانگر آن است که با
ابلاغ مسئله امامت از سوی پیامبر خدا ﷺ، خداوند مهر اکمال و اتمام و رضایت
را زینت بخش دین نموده است: «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتِمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي
وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا» (مائده: ۳). از این رو، عدول از ولایت امیرالمؤمنین ﷺ،
خروج از دین قویم و مصداق آیه است: «وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ
فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ» (آل عمران: ۸۵). در ادامه، امام ﷺ واقعیت تاریخی پذیرش
محدود ولایت را یاد می‌کند: «فَمَا آمَنَ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فِيكَ عَلَى نَبِيِّهِ إِلَّا قَلِيلٌ، وَلَا زَادَ
أَكْثَرَهُمْ غَيْرَ تَحْسِيرٍ، وَلَقَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ تَعَالَى فِيكَ مِنْ قَبْلُ وَهُمْ كَارِهُونَ». این بیان،
همان واقعیت تلخ تاریخی را بازتاب می‌دهد که «ایمان آورندگان اندک‌اند»: «وَمَا
آمَنَ مَعَهُ إِلَّا قَلِيلٌ» (هود: ۴۰) و «وَقَلِيلٌ مِّنْ عِبَادِيَ الشَّكُورُ» (سبأ: ۱۳). دلیل این عدم
ایمان بیشتر مردم در هر دوره، در اکراه و عناد درونی و حسادت آن‌ها نسبت به
حق و اهل حق است؛ وگرنه حجاج الهی براساس وظیفه خویش، بلاغ مبین را
سرلوحه خود قرار داده بودند: «وَلَكِنْ أَكْثَرُهُمْ لِلْحَقِّ كَرِهُونَ» (توبه: ۸). در نتیجه،
ایمان حقیقی به ولایت، به بصیرت و تسلیم قلبی نیازمند است؛ چراکه مخالفت
با آن جز خسران در پی ندارد؛ چنان‌که آیه می‌فرماید: «قَالَ يَا قَوْمِ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كُنْتُ
عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّي... فَمَا تَزِيدُونَنِي غَيْرَ تَحْسِيرٍ» (هود: ۶۳).

امام هادی ﷺ در ادامه به آیه ارتداد (مائده: ۵۴) و افرادی که از دین و اعتقاد
خویش فاصله گرفته، اشاره می‌کند و ضمن بیان تمام آیه، دو آیه دیگر را در
ضمن زیارت اقتباس کرده است: «رَبَّنَا آمَنَّا بِمَا أَنْزَلْتَ وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ فَاكْتُبْنَا مَعَ
الشَّاهِدِينَ» (آل عمران: ۵۳) و «رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِن لَّدُنكَ رَحْمَةً
إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ» (آل عمران: ۸). این آیات، استمرار هدایت از طریق تمسک به
ولایت و دعا برای پایداری در ایمان را نشان می‌دهند؛ بدین ترتیب، ایمان به
ولایت، ضامن بقای هدایت الهی و معیار پذیرش دین در دنیا و آخرت است.

۳-۴-۴. اطاعت، پیروی و ثبات قدم

از وظایف اساسی امت نسبت به امام معصوم، اطاعت عملی و پیروی از او است؛ اطاعتی که ضامن ثبات در مسیر هدایت الهی و مصونیت از انحراف است. امام هادی علیه السلام در زیارت غدیریه، امیرالمؤمنین علیه السلام را مصداق عینی صراط مستقیم دانسته و با استناد به آیه **﴿وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ﴾** (انعام: ۱۵۳) همگان را به پیروی از راه امام فرا می خواند. در فراز زیارت آمده است:

وَأَشْهَدُ أَنَّكَ الْمَعْنِيُّ يَقُولُ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ... صَلَّ وَاللَّهُ وَأَصَلَّ مَنْ اتَّبَعَ سِوَاكَ...
اللَّهُمَّ سَمِعْنَا لِأَمْرِكَ وَأَطَعْنَا، وَاتَّبَعْنَا صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ، فَأَهْدِنَا رَبَّنَا، وَ
لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا إِلَى طَاعَتِكَ، وَاجْعَلْنَا مِنَ الشَّاكِرِينَ لِأَنْعَمِكَ.

در این تعبیر، زائر گواهی می دهد که هر پیروی جز از امام، گمراهی و اضلال است و اطاعت از او، عین تبعیت از اسلام حقیقی است. نسبت دادن امام به «صراط مستقیم» نه تنها مقام او را تثبیت می کند، بلکه وظیفه امت را در فرمانبری و شکر نعمت ولایت یادآور می شود. دعای زائر در فراز **﴿وَاتَّبَعْنَا صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ...﴾** در آیه **﴿أَهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ﴾** (حمد: ۶ و ۷) ریشه دارد. همچنین فراز **﴿اللَّهُمَّ سَمِعْنَا لِأَمْرِكَ وَأَطَعْنَا﴾** بازتاب آیه **﴿إِنَّمَا كَانَ قَوْلَ الْمُؤْمِنِينَ إِذَا دُعُوا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ أَنْ يَقُولُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا﴾** (نور: ۵۱) است که ویژگی مؤمنان حقیقی را «تسلیم و اطاعت محض» از امر خدا و رسول - و در استمرار آن، ولایت امام - می داند. در ادامه زیارت نیز عبارت **﴿وَلَا تُزِغْ قُلُوبَنَا...﴾** مستند به آیه **﴿رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا...﴾** (آل عمران: ۸) آمده است؛ بدین معنا که ثبات قدم در هدایت تنها با استمرار اطاعت از امام معصوم تضمین می شود.

۴-۴-۴. بیعت و عهد با امام

از مهم ترین وظایف امت در برابر امام، بیعت و پابندی به عهد ولایت است؛



پیمانی الهی که نقض آن موجب سقوط ایمانی و خسران ابدی می شود. امام هادی علیه السلام در زیارت غدیریه به این معنا چنین اشاره می فرماید: «وَنَاكَتَ عَهْدُكَ بَعْدَ الْمِيثَاقِ» که یادآور پیمان شکنان پس از غدیر و دوران خلافت امیرالمؤمنین علیه السلام است. مبنای قرآنی این فراز در آیه بیعت آمده است: «إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ فَمَنْ نَكَتَ فَإِنَّمَا يَنْكُتُ عَلَى نَفْسِهِ وَمَنْ أَوْفَى بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ فَسَيُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا» (فتح: ۱۰). آیه بیعت، پیمان با پیامبر صلی الله علیه و آله را عین بیعت با خدا معرفی کرده و تعبیر «يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ» قداست و الهی بودن این عهد را آشکار می کند. از منظر کلامی، چون «ید» در این مقام نماد ولایت الهی است، بازگشت همه پیمان ها به حق تعالی بوده و نقض آن تنها به زیان پیمان شکن است. در برابر، وفاداری به این عهد، مطابق با پایان آیه، پاداشی عظیم دارد و نشانه ایمان و بصیرت است.

۵-۴-۴. تبری

«تَبَرَّى» لازمه «تَوَلَّى» و از ارکان هویت ایمانی در نظام قرآنی و به معنای بیزاری از دشمنان خدا و اولیای او و هر باطل است. قرآن این حقیقت را در قالب لعن بر ظالمان و معاندان حق تبیین کرده است. امام هادی علیه السلام در زیارت غدیریه، با زبانی تعلیمی، مراتب تبری را با نقل نمونه های تاریخی و استناد قرآنی آشکار می سازد. در آغاز زیارت، پس از وصف صبر و جهاد امیرالمؤمنین علیه السلام، لعن بر ستمگران مستند به آیه «أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ» (هود: ۱۸) مطرح می شود. سپس حضرت در فراز «فَلَعَنَ اللَّهُ جَا حِدَ وَلَا يَتِيكَ بَعْدَ الْإِقْرَارِ» منکران ولایت پس از یقین را نفرین می کند که با آیه «وَجَحَدُوا بِهَا وَاسْتَيْقَنَتْهَا أَنْفُسُهُمْ ظُلْمًا وَعُلُوًّا» (نمل: ۱۴) انطباق دارد؛ زیرا جحد پس از معرفت، نشانه عناد و فساد درون است.

در ادامه، دو صنف ملعون معرفی می شوند: «فَلَعَنَ اللَّهُ مُسْتَحِلِّي الْحُرْمَةِ مِنْكَ وَذَائِدِي الْحَقِّ عَنْكَ»، یعنی کسانی که حرمت ولی خدا را شکستند و حق او را از او بازداشتند. این مضمون با آیه «إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا

وَالْآخِرَةَ﴾ (احزاب: ۵۷) و «الَّذِينَ يَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَيَبْغُونَهَا عِوَجًا» (هود: ۱۹) سازگار است. سپس امام با گواهی «وَأَشْهَدُ أَنَّهُمُ الْآخَسُونَ» سقوط آنان را مطابق آیه «قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا...» (کهف: ۱۰۳ و ۱۰۴) بیان می نماید.

در فراز دیگری حضرت مساوات انگاران میان امام و دشمنان او را مشمول لعن دانسته و می فرماید: «فَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ سَاوَاكَ بِمَنْ نَاوَاكَ... فَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ عَدَلَ بِكَ مَنْ فَرَضَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَلَا يَتَكَ». این مضمون با آیه «هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ» (زمر: ۹) منطبق است که تمایز میان اولیای الهی و جاهلان را اصل الهی می داند. در بخش دیگر، حضرت از «إِحَادَة» و روی گردانی از اهل حق با وصف «وَأَحَادُوهُ عَنْ أَهْلِهِ جَوْرًا» یاد می کند که با آیه «إِنَّ الَّذِينَ يُحَادُّونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ...» (مجادله: ۵) تطبیق دارد. دشمنی با امام، مصداق محاربه با خدا و مستوجب عذاب مهین است.

بخش طولانی لعن در زیارت، گستره کامل تبرّی را آشکار می سازد: «اللَّهُمَّ الْعَنْ قَتْلَةَ أَنْبِيَائِكَ وَأَوْصِيَائِكَ... اللَّهُمَّ الْعَنْ قَتْلَةَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَمَنْ ظَلَمَهُ، وَ أَشْيَاعَهُمْ وَأَنْصَارَهُمْ؛ وَالْعَنْ ظَالِمِي الْحُسَيْنِ وَقَاتِلِيهِ... لَعْنًا وَبِيْلًا» که این لعن ها قاتلان انبیا، غاصبان حق اولیا و تمامی یاران و راضیان به ستم را دربر می گیرد. مبنای قرآنی این لعن، آیه «وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَدِّيًا فَجَزَاؤُهُ جَهَنَّمُ... وَأَعَدَّ لَهُ عَذَابًا عَظِيمًا» (نساء: ۹۳) است و به قیاس اولویت، قتل اوصیای معصوم، شدیدترین مصداق آن به شمار می آید.

سپس امام علی (ع)، حق ولایت امیرمؤمنین (ع) را «حَقًّا مِنَ اللَّهِ» معرفی و معارضان آن را به عنوان مستکبران و مکذبان حق، در چهار وصف «محاده، استکبار، تکذیب و کفر» محل لعن الهی می شمرد. این معنا مضمون آیات «أَفَكُلَّمَا جَاءَكُمْ رَسُولٌ بِمَا لَا تَهْوَى أَنْفُسُكُمْ اسْتَكْبَرْتُمْ فَفَرِيقًا كَذَّبْتُمْ وَفَرِيقًا تَقْتُلُونَ» (بقره: ۸۷) و «بَلَى قَدْ جَاءَتْكَ آيَاتِي فَكَذَّبْتَ بِهَا وَاسْتَكْبَرْتَ وَكُنْتَ مِنَ الْكَافِرِينَ» (زمر: ۵۹) است.

در پایان، امام با ذکر آیه تهدید آمیز «وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ»



(شعراء: ۲۲۷)، انجام عذاب الهی بر ظالمان را یادآوری می‌کند؛ تأکیدی بر این که تبری نه واکنشی احساسی، بلکه التزامی معرفتی و الهی است برای صیانت حقیقت ولایت در تاریخ.

۴-۵. تاریخ امامت در زیارت غدیریه

از برجسته‌ترین ویژگی‌های زیارت غدیریه امام هادی علیه السلام، بازنمایی تاریخ امامت و آشکارسازی جایگاه بی‌بدیل امیرالمؤمنین علیه السلام در غزوات و حوادث سرنوشت‌ساز صدر اسلام است. امام هادی علیه السلام با تکیه بر وقایع پذیرفته‌شده تاریخی، امامت و افضلیت حضرت علی علیه السلام را در دو عرصه نص الهی و عمل تاریخی تبیین می‌کند؛ شیوه‌ای که زیارت غدیریه را از سایر زیارات متمایز ساخته و آن را به متنی استدلالی و تاریخ‌نگار مبدل نموده است.

فراز «وَلَكَ الْمَوَاقِفُ الْمَشْهُودَةُ، وَالْمَقَامَاتُ الْمَشْهُورَةُ، وَالْأَيَّامُ الْمَذْكُورَةُ» تجسم همین معنا است؛ چراکه به حضور همه جانبه آن حضرت در لحظات تعیین‌کننده تاریخ اسلام اشاره دارد. امیرمؤمنان علیه السلام در تمامی میدان‌های رسالت، از بدر تا صفین، نماد ایمان، جهاد و ولایت بود و رفتار او مصداق کامل آیه «وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ» (بقره: ۲۰۷) است. از این منظر، زیارت غدیریه تنها متنی عبادی نیست، بلکه کارکردی تبیینی-تاریخی دارد؛ زیرا با بازخوانی مجاهدت‌های حضرت علی علیه السلام، تاریخ امامت را در پرتو نصوص و شواهد عینی بازسازی می‌کند و نشان می‌دهد که افضلیت امام، نه صرفاً در گفتار، بلکه در میدان عمل و تحقق دین الهی جلوه‌گر است.

۱-۴-۵. واقعه بدر

امام علیه السلام با اشاره به «يَوْمَ بَدْرٍ» به واقعه بدر پرداخته و این فراز یادآور آیه «وَلَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرٍ» (بقره: ۱۲۳) است. در این جنگ که نخستین مواجهه نظامی جدی مسلمانان بود، امیرمؤمنان علیه السلام نقش محوری در پیروزی ایفا کرد.

۲-۵-۴. واقعه احزاب

اشاره زیارت غدیریه در عبارت «وَيَوْمَ الْأَحْزَابِ» به یکی از درخشان‌ترین میدان‌های امامت علوی است؛ جایی که شجاعت و ایمان امیرالمؤمنین (علیه السلام) در اوج بحران مسلمانان جلوه یافت. آیات مربوط به جنگ خندق، فضای سخت و اضطراب‌آلود آن روز را ترسیم می‌کند: «إِذْ زَاغَتِ الْأَبْصَارُ وَبَلَغَتِ الْقُلُوبُ الْحَنَاجِرَ وَ تَظُنُّونَ بِاللَّهِ الظُّنُونَا * هُنَالِكَ ابْتُلِيَ الْمُؤْمِنُونَ وَزُلْزِلُوا زِلْزَالًا شَدِيدًا * وَإِذْ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ إِلَّا غُرُورًا» (احزاب: ۱۰-۱۲). در چنین هنگامه‌ای که بسیاری از منافقان به تردید و فرار گراییدند، تنها علی (علیه السلام) در برابر عمرو بن عبدود ایستاد و با پیروزی بر او، توازن نبرد را به سود اسلام تغییر داد. این رخداد، مصداق عینی آیه «مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ» (احزاب: ۲۳) و دلیل روشنی بر افضلیت و نقش حراستی امام در بقا و پاسداری دین است.

۳-۵-۴. واقعه احد

فراز «وَيَوْمَ أُحُدٍ» در زیارت غدیریه، یادآور صحنه‌ای است که مسلمانان در آن دچار گریز و تزلزل شدند. آیه «إِذْ يُصْعِدُونَ وَلَا يُلُونُ عَلَى أَحَدٍ وَالرَّسُولُ يَدْعُوهُمْ فِي أُحْزَاهُمْ» (آل عمران: ۱۵۳) تصویرگر همین گریز عمومی است. درحالی‌که همگان میدان را ترک گفتند، امیرالمؤمنین (علیه السلام) تنها مدافع پیامبر (صلی الله علیه و آله) بود؛ چنان‌که در عبارت زیارت آمده است: «وَأَنْتَ تَذُودُ بِهِمُ الْمُشْرِكِينَ عَنِ النَّبِيِّ، ذَاتَ الْيَمِينِ وَذَاتَ الشِّمَالِ، حَتَّى رَدَّهُمُ اللَّهُ تَعَالَى عَنْكُمَا خَائِفِينَ، وَنَصَرَ بِكَ الْخَازِلِينَ». امام (علیه السلام) با بیان این فراز، مصداق بارز نص بر افضلیت و شجاعت امیرمؤمنان (علیه السلام) را با بیان گزاره مسلم تاریخی بیان می‌نماید.

۴-۵-۴. واقعه حنین

امام هادی (علیه السلام) در فراز «وَيَوْمَ حُنَيْنٍ»، به غزوه‌ای اشاره می‌کند که آزمون بزرگی برای ایمان مسلمانان بود. با اقتباس از آیه «إِذْ أَجَبْتَكُمْ كَثْرَتُكُمْ فَلَمْ تُغْنِ عَنْكُمْ شَيْئًا وَصَافَتْ عَلَيْكُمُ الْأَرْضُ بِمَا رَحُبَتْ ثُمَّ وَلَّيْتُمُ مُدْبِرِينَ ثُمَّ أَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ



وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ ﴿توبه: ۲۵﴾ بیانگر آن است که مسلمانان با غرور به کثرت خود، از امداد الهی غافل ماندند و در آغاز نبرد گریختند. امام علیه السلام با استناد به روایت زیارت، نشان می دهد که در این میدان نیز حامی حقیقی پیامبر صلی الله علیه و آله، علی علیه السلام بود: «وَالْمُؤْمِنُونَ أَنْتَ وَمَنْ يَلِيكَ، وَعَمَّكَ الْعَبَّاسُ يُنَادِي الْمُتَنَهِّمِينَ: يَا أَصْحَابَ سُورَةِ الْبَقَرَةِ، يَا أَهْلَ بَيْعَةِ الشَّجَرَةِ...» تا آن گاه جمعی با تدبیر و حمایت مادی و معنوی امیرالمؤمنین علیه السلام بازگشتند. در پایان، امام هادی علیه السلام با اشاره به آیه «ثُمَّ يَتُوبُ اللَّهُ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ عَلَى مَنْ يَشَاءُ» (توبه: ۲۷)، بازگشت الهی و توبه پذیری مجاهدان را در پرتو صبر و ثبات امام تفسیر کرده و آن حضرت را «حَائِزٌ دَرَجَةِ الصَّبْرِ، فَائِزٌ بِعَظِيمِ الْأَجْرِ» می خواند؛ عنوانی که اوج نقش امامت در ترمیم شکست تاریخی و استمرار نصرت الهی را آشکار می سازد.

۵-۴-۵. واقعه خیر

زیارت غدیریه با عبارت «وَيَوْمَ خَيْرٍ» به نبرد با یهودیان خیر اشاره می کند: «إِذْ أَظْهَرَ اللَّهُ خَوَرَ الْمُنَافِقِينَ، وَقَطَعَ دَابِرَ الْكَافِرِينَ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» که در آن واقعه، خداوند سستی منافقان را آشکار و ریشه کافران را قطع کرد. امام علیه السلام با استناد به آیه «وَلَقَدْ كَانُوا عَاهَدُوا اللَّهَ مِنْ قَبْلُ لَا يُولُونَ الدِّبَارَ وَكَانَ عَهْدُ اللَّهِ مَسْئُولًا» (احزاب: ۱۵)، پیمان شکنی برخی در جنگ را بیان می کند.

۶-۵-۴. واقعه جمل و صفین

از فرازهای برجسته زیارت غدیریه، اشاره به دو رخداد مهم تاریخ امامت، یعنی جنگ های جمل و صفین است. امام هادی علیه السلام در وصف ماجرای جمل می فرماید: «صَدَقْتُ وَاللَّهِ، وَخَسِرَ الْمُبْطِلُونَ... لَعَمْرُكُمَا مَا تُرِيدَانِ الْعُمَرَةَ، لَكِنْ تُرِيدَانِ الْعُدْرَةَ» که در آن، حضرت با بصیرت الهی، نفاق و پیمان شکنی طلحه و زبیر را آشکار ساخت. آنان پس از بیعت با امام، به بهانه عمره، آهنگ بصره کردند و جنگی را برپا داشتند که قرآن آن را نشانه خسارت اهل باطل دانسته است. در ادامه، زیارت به جنگ صفین اشاره دارد: «ثُمَّ تَلَاهُمَا أَهْلُ الشَّامِ، فَسِرَتْ إِلَيْهِمْ

بَعْدَ الْإِعْذَارِ، وَهُمْ لَا يَذِيبُونَ دِينَ الْحَقِّ، وَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ...». بدین ترتیب، امام هادی علیه السلام اهل شام را در این فراز «هَمَجْ رَعَاغَ ضَالُّونَ» و کافر به خداوند می خواند. همچنین «وَهُمْ لَا يَذِيبُونَ دِينَ الْحَقِّ» که به آیه قرآن اشاره دارد (توبه: ۲۹)؛ یعنی آنان به دین حق پایبند نیستند و کسانی که برخلاف آیه «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ» (نساء: ۸۲؛ محمد: ۲۴) از تدبیر در قرآن روی گردان و به آیات امامتی منکر بودند.

اوج دلالت اعتقادی این بخش، استشهاد امام به آیه صادقین است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا، اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ» (توبه: ۱۱۹) که امام علیه السلام با پیوند دادن تاریخ وقایع جمل و صفین به نص قرآنی و برخورد مردم با امیرمؤمنان علیه السلام، درصدد تبیین وظیفه زائر در برابر حجت خدا مبنی بر اتباع و یاری و نصرت از او است. در پی ترسیم تاریخ امامت، امام هادی علیه السلام با بهره گیری از صنعت تشبیه، به تبیین ابعاد وجودی و سیره امیرالمؤمنین علیه السلام می پردازد. این تشبیهات، که برگرفته از سیره انبیای الهی است، علاوه بر بیان فضایل، به صورت التزامی بر عصمت، مظلومیت و جایگاه یگانه امام در میان امت دلالت دارد. تشبیه در علم بیان به عنوان ابزاری کارآمد برای تأکید و تثبیت معنا در ذهن مخاطب شناخته می شود (سبزواری، ۱۳۹۵). امام هادی علیه السلام در زیارت غدیریه با به کارگیری این شیوه بلاغی، توانسته است سیمای جامع امامت علوی را در قالبی ادبی و معرفتی بازنمایی کند؛ قالبی که پیوند میان بلاغت دینی و تبیین الهی امامت را به روشنی آشکار می سازد.

۴-۶. تشبیه امیرمؤمنان علیه السلام به انبیا در تحمل محنت و عدم یاری

از فرازهای درخشان زیارت غدیریه، جمله امام هادی علیه السلام است: «فَأَشْبَهْتُ مَحْنَتَكَ بِهِمَا مَحْنَ الْأَنْبِيَاءِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، عِنْدَ الْوَحْدَةِ وَعَدَمِ الْأَنْصَارِ» که در آن، سختی ها و تنهایی امیرالمؤمنین علیه السلام به ابتلائات پیامبران در فقدان یاور و غربت رسالت تشبیه شده است. این تشبیه در قرآن ریشه دارد: «فَدَعَا رَبُّهُ أَنِّي مَغْلُوبٌ فَانْتَصِرْ» (قمر: ۱۰) و «وَأَهْلَكَ إِلَّا مَنْ سَبَقَ عَلَيْهِ الْقَوْلُ وَمَنْ آمَنَ وَمَا آمَنَ مَعَهُ إِلَّا



قَلِيلٌ (هود: ۴۰) نسبت به حضرت نوح علیه السلام و «لَوْ أَنَّ لِي بِكُمْ قُوَّةً أَوْ آوِي إِلَى رُكْنٍ شَدِيدٍ» (هود: ۸۰) نسبت به حضرت لوط علیه السلام و دیگر آیاتی که بیانگر محنت های هریک از انبیا هستند. افزون بر موارد یادشده، آیاتی که به صورت کلی مخالفت، استهزا و عدم پیروی امت ها را از انبیای خود بیان می کند (حجر: ۱۱؛ یوسف: ۱۱۰؛ یس: ۳۰). بدین ترتیب، امام هادی علیه السلام محنت امیرالمؤمنین علیه السلام پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله را در امتداد ابتلائات انبیا بازمی نماید؛ دورانی که حضرت، همانند آنان، در دفاع از حق، تنها و بی یاور ماندند.

۱-۶-۴. تشبیه امیرمؤمنان علیه السلام به اسماعیل ذبیح علیه السلام

از برجسته ترین جلوه های فداکاری امیرالمؤمنین علیه السلام در لیلۃ المبیت است که امام هادی علیه السلام با استناد به آیه شراء و تشبیه به واقعه ذبح اسماعیل، عمق ایثار آن حضرت را بیان می کند: «وَأَشْبَهَتْ فِي الْبَيَاتِ عَلَى الْفَرَّاشِ الذَّبِيحَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، إِذْ أُجِبَتْ كَمَا أَجَابَ، وَأَطَعَتْ كَمَا أَطَاعَ إِسْمَاعِيلُ، صَابِرًا مُحْتَسِبًا...». امام صریحا به آیه ذبح اسماعیل علیه السلام اشاره می کند (صفات: ۱۰۲) که اوج تسلیم و اطاعت اسماعیل علیه السلام را نشان می دهد. امام هادی علیه السلام این روح اطاعت و تسلیم را در رفتار امیرالمؤمنین علیه السلام هنگام خوابیدن در بستر پیامبر صلی الله علیه و آله بازشناسی می کند: «وَكَذَلِكَ أَنْتَ لَمَّا أَبَاتَكَ النَّبِيُّ... وَاقِيًا لَهُ بِنَفْسِكَ... فَشَكَرَ اللَّهُ طَاعَتَكَ... بِقَوْلِهِ: «وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ» (بقره: ۲۰۷). این آیه تجلی کامل ایثار، اطاعت و اخلاص علوی است و امام هادی علیه السلام با اقتباس از داستان اسماعیل، فدای نفس را در مرتبه ای بالاتر - از طریق اطاعت بی چون و چرا و تقدیم جان در راه پیامبر - تبیین می کند؛ بدین ترتیب، زیارت غدیریه فداکاری امام را شاهی قرآنی بر افضلیت و کمال روحی آن حضرت معرفی می نماید.

۲-۶-۴. تشبیه محنت امیرمؤمنان علیه السلام با محنت حضرت هارون علیه السلام

از جلوه های دقیق تشبیه در زیارت غدیریه، مقایسه محنت هارون در غیبت موسی علیه السلام با وضعیت امیرالمؤمنین علیه السلام در صفین است: «أَشْبَهَتْ مِحْنَةَ هَارُونَ،

إِذْ أَمَرَهُ مُوسَى عَلَى قَوْمِهِ فَتَفَرَّقُوا عَنْهُ» که در ادامه، امام هادی علیه السلام کلام قرآن درباره هارون را یادآور می‌شود: «يَا قَوْمِ إِنَّمَا فُتِنْتُمْ بِهِ... حَتَّى يَرْجِعَ إِلَيْنَا مُوسَى» (طه: ۹۰ و ۹۱). سپس زیارت غدیریه این صحنه را با موضع امیرالمؤمنین علیه السلام هنگام رفع مصاحف در صفین تطبیق می‌دهد: «وَكَذَلِكَ أَنْتَ لَمَّا رُفِعَتِ الْمَصَاحِفُ، قُلْتَ يَا قَوْمِ إِنَّمَا فُتِنْتُمْ بِهَا وَخُذِ عُنْمَ... فَعَصَوْكَ وَخَالَفُوا عَلَيْنَا» که در هردو مورد، جامعه دینی در فتنه‌ای ظاهراً مقدس دچار لغزش شد و فرمان جانشین الهی را نادیده گرفت. این تشبیه برای زائر یادآور حدیث منزلت است که امام هادی علیه السلام در همان زیارت، به نقل از امیرالمؤمنین علیه السلام و براساس گفتار نبوی صلی الله علیه و آله تصریح می‌کند: «يَا عَلِيُّ أَنْتَ مِثِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى، إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي». از این رو، زیارت غدیریه با پیوند دو واقعه، استمرار سنت الهی در نصب وصی و ابتلای امت به اطاعت از او را به شیوه‌ای قرآنی و روایی تبیین می‌کند.

نتیجه آن‌که امام هادی علیه السلام در زیارت غدیریه، با بهره‌گیری از گزاره‌های تاریخ و وقایع صدر اسلام از غزوات مهم و بهره‌گیری از صنعت تشبیه، به تبیین ابعاد خاصی از جایگاه و سیره امیرمؤمنان علی علیه السلام با استناد به آیات قرآن پرداخته تا در ضمن بیان تاریخ و وضعیت عصر حیات امیرمؤمنان علیه السلام، به فضایل بی‌نظیر و جایگاه والای ایشان نزد خداوند پرده بردارد.

۵. نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با تحلیل فرازهای زیارت غدیریه امام هادی علیه السلام و تطبیق آن با آیات قرآن کریم، نشان داد که این متن، فراتر از ذکر زیارتی، منظومه‌ای استدلالی از معارف قرآنی و کلامی شیعه به شمار می‌رود. امام هادی علیه السلام در این زیارت، به منزله مفسر و ترجمان حقیقی وحی، آموزه‌های بنیادین امامت را با بیانی برهانی و قرآنی تبیین کرده و هدف حقیقی زیارت یعنی شناخت منظومه و حیانی امامت را تحقق بخشیده است. دسته‌بندی محتوایی زیارت بر پایه «نظام جامع امامت» - شامل شرایط، مناصب، مقامات، وظایف امت و تاریخ تحقق امامت در اسلام

- انسجام درونی آن را آشکار ساخت و بیانگر آن بود که تمامی ارکان اعتقادی امامت، از عصمت و علم الهی امام تا ولایت مطلقه و حجیت بی قید فرمان او، در پرتو آیات محکم الهی استوار شده است. در نهایت، زیارت غدیریه به عنوان منبعی تفسیری و معرفت بخش، افق تازه‌ای را در فهم قرآن از منظر اهل بیت علیهم‌السلام می‌گشاید و پیوند ذاتی و هدایتگر میان کتاب و عترت را بازمی‌نمایاند؛ پیوندی که همواره ضامن هدایت و رستگاری امت در تمامی ادوار تاریخ خواهد بود.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



منابع

* قرآن کریم.

۱. ابن اثیر، مبارک بن محمد (۱۳۶۷)، النهایة فی غریب الحدیث و الأثر، قم: اسماعیلیان.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق) (۱۳۷۶)، الأمالی، تهران: کتابچی.
۳. ابن شاذان، محمد بن احمد (۱۴۰۷ق)، مائة منقبة من مناقب أمير المؤمنين و الأئمة من ولده، قم: مدرسه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف.
۴. ابن شهر آشوب، محمد بن علی (۱۳۶۹)، متشابه القرآن و مختلفه، قم: بیدار.
۵. ابن طاووس، علی بن موسی (۱۴۱۳ق)، الیقین باختصاص مولانا علی بأمرة المؤمنین، قم: دار الکتاب.
۶. ابن عقده کوفی، احمد بن محمد (۱۴۲۴ق)، فضائل أمير المؤمنين، قم: دلیل ما.
۷. ابن فارس، احمد (۱۴۱۵ق)، معجم مقاییس اللغة، بیروت: مکتب الاعلام الاسلامی.
۸. ابن مشهدی، محمد بن جعفر (۱۴۱۹ق)، المزار الکبیر، قم: جامعه مدرسیں حوزہ.
۹. احمدی فروشانی، سید علی (۱۳۹۸)، «پژوهشی پیرامون مفهوم واژه حجة الله و تبیین ویژگی های آن باتأکید بر آیات و روایات»، فصلنامه تخصصی کلام و ادیان، شماره ۲، ص ۷-۴۷.
۱۰. بحرانی، سید هاشم (۱۳۷۴)، البرهان فی تفسیر القرآن، قم: بعثت.
۱۱. جمعی از پژوهشگران (۱۴۰۲)، نظام جامع موضوعات امامت، قم: معارف اهل بیت علیهم السلام.
۱۲. جوهری، ابونصر اسماعیل (۱۴۰۷ق)، الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیة، بیروت: دار العلم.
۱۳. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، قم: بی نا.
۱۴. حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۳ق)، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، قم: مؤسسه نشر اسلامی.

۱۵. خزاز رازی، علی بن محمد (۱۴۱۹ق)، کفایة الأثر فی النصّ علی الأئمة الإثنی عشر، قم: بیدار.
۱۶. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، مفردات فی ألفاظ القرآن، بیروت: دار القلم.
۱۷. سبزواری، سید حسن (۱۳۹۹)، امامت علوی در سیره نبوی، قم: نشر امامت.
۱۸. سبزواری، سید حسن (۱۳۹۵)، «کارکرد تشبیه در گفتار نبوی برای تبیین امامت امیرمؤمنان (علیه السلام)»، فصلنامه امامت پژوهی، شماره ۲۰، ص ۹-۶۲.
۱۹. صفار قمی، محمد بن حسن (۱۴۰۴ق)، بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد (علیهم السلام)، قم: مکتبه آیت الله مرعشی.
۲۰. طبرسی، احمد بن علی (۱۴۰۳ق)، الإحتجاج علی أهل اللجاج، مشهد: نشر مرتضی.
۲۱. طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۱۵ق)، تفسیر مجمع البیان، بیروت: بی نا.
۲۲. طبری آملی، محمد بن جریر (۱۴۱۵ق)، المسترشد فی إمامة علی بن أبی طالب، قم: کوشانپور.
۲۳. طریحی، فخرالدین (۱۳۷۵ش)، مجمع البحرين، تهران: مرتضوی.
۲۴. علم الهدی، شریف رضی (۱۴۱۴ق)، نهج البلاغة، قم: نشر هجرت.
۲۵. عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰ق)، تفسیر العیاشی، تهران: مطبعة العلمية.
۲۶. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق)، کتاب العین، قم: نشر هجرت.
۲۷. قمی، علی بن ابراهیم (۱۴۰۴ق)، تفسیر قمی، قم: دار الکتاب.
۲۸. کفعمی، ابراهیم بن علی (۱۴۰۵ق)، جنة الأمان الواقية و جنة الإيمان الباقية (مصباح کفعمی)، قم: دار الرضی.
۲۹. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، الکافی، تهران: دار الکتب الاسلامية.
۳۰. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴ق)، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۱. نعمانی، محمد بن ابراهیم (۱۳۹۷ق)، الغيبة، تهران: نشر صدوق.



پروہشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی